

# فراماسونری

## سازمان رازآمیز پوشیده

به نام روشنایی بخش بینش      که روشن چشم، از او گشت آفرینش  
نظامی

از: امیل ژوزف

گلندل، ۱۱ ژانویه ۲۰۱۹



آدمی در دنیای ساخته خود زندگانی می‌کند. کوتاه‌وار، زندگانی آدمی را می‌توان از دو بخش دانست: بخش نخست، تلاش روزانه او برای فراهم آوردن هر آنچه که برای دوام هستی، چون خورد و خوراک و پوشاک و سرپناه ..... نیاز دارد. بخش دوم را می‌توان، برآوردن نیازهای احساسی و درونی یا مینوی نامید. او برای برآوردن نیازهای مینوی خود به آیین‌ها و روش‌هایی که از دیرباز اندیشمندان و فیلسوف‌ها و خردگراها پدید آورده‌اند روی می‌آورد. یکی از این

روش‌ها، که سه سده از پیدایش آن می‌گذرد، روشی است که آیین فراماسونری برای برآوردن این نیاز مینوی آدمی پیشنهاد می‌نماید. این روش همانا ادامه روش دیرین آیین‌های رمزی است که در پرده مجاز به کار می‌پرداختند تا پیروان خود را به سوی روشنایی راهنمائی کنند. رسیدن به روشنایی در آیین فراماسونری در سه پایه انجام می‌پذیرد:

### ۱/۱ - پایه یکم

در این پایه، داوطلب به بررسی، پژوهش، نگرش و اندیشیدن فراخوانده می‌شود. پیشروان آیین به او یادآور می‌شوند که برای دست یافتن به هستی پُر بارتر بایسته است که او به ندای درون خویش گوش فرادهد، از طبیعت الهام گیرد و بیاندهشد و داوطلب در این پایه با الهام از جهان بالا و با توجه به ندای درون خویش به اندیشیدن می‌پردازد.

## ۱/۲ - پایه دوم

در این پایه، افزوده بر آنچه که در پایه پیش به داوطلب سفارش شد، جنبه نمادین برخی از افزارکارهای معماری برای او شرح داده می‌شود تا با به کار بستن آن‌ها به هستی خود بهبود بخشد. افزوده بر این به او سفارش می‌شود که هر آنچه را که از اندیشیدن در پایه پیش به دست آورده با توجه به جنبه مینوی افزارکارهای نوینی که در اختیار او قرار می‌گیرد در راه پالایش منش خویش به کار بندد.

## ۱/۳ - پایه سوم

در این پایه، برای داوطلب انگیزه‌ای فراهم می‌شود که منش پالایش یافته خویش را که به یاری هر آنچه در پایه‌های پیشین به دست آورده بسی بالاتر ببرد. همچنین پیشروان آیین به او یادآور می‌شوند که هستی برای او حدی معین کرده و می‌بایست منش خود را آنچنان بالا ببرد تا در خور پیوستن به ذاتی بس گسترده و پاینده و جاودان گردد.

همچنین، در اینجا به داوطلب یادآور می‌شوند که او نمونه کوچکی است از آنچه آفریننده او در جهان کوچکی که او می‌شناسد گنجانده و در سنجش با بزرگی کیهان، که دستگاهی بس بزرگ و پر شکوه آفریده ذات جاودان است، او ذره ناچیزی بیش نیست و بایسته است که منش او آنچنان پالایش یابد که با نظام و هماهنگی کیهان همگام گردد. پس، برای رسیدن به این پایگاه، داوطلب فراخوانده، کوشش می‌کند تا به یاری شناسایی‌های فلسفی، خود را بهتر بشناسد.

## ۲ - افزارکارها

از آنجا که در این بخش نوشتار از کاربرد نمادین افزارکارهای معماری در آیین فراماسونری یاد شد، شایسته است که برای نمونه از چند افزارکار یاد کرد: خط‌کش و مداد برای کشیدن طرح ساختمان و قلم سنگتراشی و چکش یاری دهنده برای هموار نمودن برجستگی‌ها و ناهمواری‌های سنگ است. ولی، این افزارکارها در دست بناها و نگارگرهای آزاد و پذیرفته شده، یعنی فراماسون‌های مجازی، از جنبه مینوی آن‌ها به کار برده می‌شوند. برای نمونه، چکش نشانه نیروی وجدان و قلم سنگتراشی سودهای آموزش و پرورش را نشان می‌دهد.



شمار افزارکارهای معماری که به گونه نمادین در آیین فراماسونری به کار می‌رود ۷ است. در آیین‌های مینوی عدد ۷، عدد مقدس خوانده می‌شود. این

افزارکارها از این قراراند: گونیا، پرگار، ستاره بیست و چهار شستی، چکش هموار کننده، شاقول، ماله بنایی، و تراز.

## ۲- روشنایی رمزی

اینک برای آن که به یک روشنایی رمزی در این آیین نیز اشاره‌ای شده باشد از نهاد عشق چون یک نهاد اصلی از نهادهایی که آیین فراماسونری بر آن استوار گشته یاد می‌کنیم. در این آیین، عشق، به دو معنی است: نخست «معرفتِ دل» زیرا که عشق بسان هستی آدمی رازگونه و پوشیده است، از این رو نیاز به شناسایی دارد. معنیِ دویم برگرفته از «حکمت مغان» دوران‌های گهن است با برنام «عرفان گهن» - یا GNOSIS نیز از آن یاد می‌شود - و آن خردی است که از راه دل به دست آید. این چنین نگرش به عشق از آن رو است که عشق سُرّی است پوشیده در دل! پس از اصل‌هایی می‌بایست پیروی کرد تا بتوان به سرّهای پوشیده در آن پی بُرد. از آنجا که اساس و بنیاد هستی بر عشق نهاده شده و علم نمی‌تواند برای پی بردن به نهاد این سرّ یارای آدمی باشد، پس می‌بایست از پرتو نور «عرفان گهن» یاری جُست.

در ازل پرتوِ حسنت ز تجلی دم زد  
عشق پیدا شد و آتش به همه عالم زد

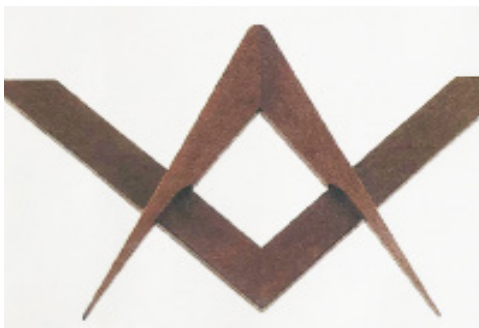
حافظ

## ۳- جهان هستی و منش آدمی

فراماسونری در گل آیینی است رازآمیز و پوشیده برای آن دسته از مردمان که خواستار شناختن خویش‌اند. برای برآوردن این نیاز نخست آنان می‌بایست دنیایی را که در آنجای داده شده‌اند بشناسند تا بتوانند به نقشی که قرار است در آن



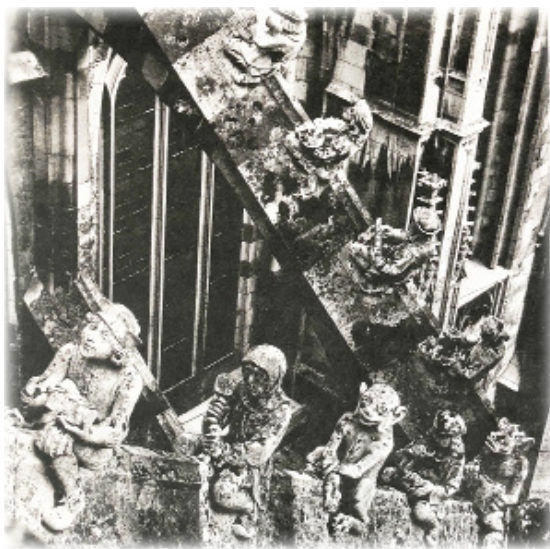
گونیا و پرگار، این ابزار معماری، در آیین فراماسونری رمزی از خودداری، نظم، مهارت و دانایی بشمار می‌روند که بدون آن‌ها رسیدن به هستی هماهنگ با طبیعت امکان پذیر نیست



شکل سه گوشه (مثلث) از دیرباز نماد (حد) به شمار رفته، از این رو است که بودن آن در آیین فراماسونری و همچنین دیگر آیین‌های مینوی، نه تنها همواره لازم و اساسی به شمار می‌رود بلکه از آن‌ها جدا ناشدنی بوده.

ایفا کنند پی ببرند.  
 فراماسونری آدمی را فرامی‌خواند تا هستی  
 را بیهوده به هدر ندهد، تا بتواند با  
 شناختن درون خویش دنیای خود را بهتر  
 بشناسد.

جهان هستی از دیدگاه این آیین  
 «مجموعه‌ای است از هر آنچه که ناآشکار  
 است که به شکل آشکار پدیدار گشته»:  
 پس می‌بایست هر آنچه را که در طبیعت  
 آشکار است در راه شناخت ناآشکارها به  
 کار بُرد.



از این رو می‌توان گفت که فراماسونری

بیش از یک روش فلسفی است زیرا که دامنه گسترده‌تری را از فلسفه‌ها می‌پوشاند تا: «آدمی بتواند از  
 جهان هستی برداشتی درست و کامل به دست آورد و در آخر احساسی که در او ایجاد می‌شود، منش  
 او را دگرگون سازد».

فراماسونری بر اساس این باور بنا گشته که با دگرگون ساختن منش آدمی می‌تواند هم در شناخت هستی  
 و هم در شناخت درون یارای او باشد. پس دگرگون ساختن منش آدمی را می‌توان آن مزیتی دانست که  
 این آیین برای خود پذیرا گشته. به سخن دیگر، فراماسونری آدمی را در مرتبه بالاتر از علف هرزه‌ای که  
 از ریشه درخت‌ها و گیاه‌ها پرورش می‌یابد و روزگار می‌گذراند و تنها به خورد و خواب بسنده می‌کند،  
 برمی‌شمارد. فراماسونری آدمی را درختی پُر بار می‌داند که به سُکرانه آب و خاک و هوا و دما، برای ایفای  
 نقشی ارزنده در این دنیا آفریده شده است.

تن آدمی شریف است به جان آدمیت    نه همین لباس زیباست نشان آدمیت

سعدی

بدون شک ایجاد دگرگونی درونی نیازی نیست که همگان در پی برآوردن آن باشند زیرا بی‌شمارند  
 آن مردمان که از آنچه که هستند خُرسندند. ولی، برای دسته دیگر که از پی بهسازی وجود و هستی  
 خویشانند، فراماسونری یک راه از بی‌شمار راه‌هایی است که آیین‌های گوناگون مینوی برای دسترسی  
 آدمی به چنین خواسته پیشنهاد می‌نمایند.

پس می‌توان گفت که:

فراماسونری می‌تواند راهگشایی برای رسیدن به شناخت مطلق باشد. شناخت مطلق همانا به معنی  
 شناخت هستی از راه شناخت خویش است که در نهایت، رسیدن به آن در باور فراماسون‌ها از راه سیر  
 امکان می‌پذیرد.

## ۴ - سیر چیست؟

واژه سیر در کاربرد روزانه به معنی گشت و گذار، گردش، سفر و سیاحت است. ولی سیر در آیین فراماسونری بیش از حرکت و تماشا و به حیرت آمدن از دیدن چیزی است. کاربرد این واژه در این آیین اشاره به روشی دارد برگرفته از مراسم رازگونه‌ای که در آیین‌های دیرینه پیش از پذیرفته شدن داوطلب نوباوه انجام می‌گرفت. پیروان این آیین‌های دیرینه، چون آیین کیمیاگری و یا آیین مهر، اصل‌هایی را باور داشتند که تنها آن دسته از مردمان می‌بایست از آن‌ها آگاه گردند که سیر می‌دیدند: در آیین فراماسونری نیز این چنین است.

## ۵ - سفر سیر

سفر سیر در آیین فراماسونری کلید شناخت است. شناخت، همزمان به معنی پیروی از راه و روش راستین، رفتار و منش درست، پیروی از نظم و ترتیب، پرهیز از بی‌نظمی و اغتشاش و ناهمگونی نفس و روان، و پیروی از قانون است. افزوده بر این‌ها، شناخت، بررسی اصل‌های مبهم و مینوی پوشیده طبیعت را نیز به همراه دارد. این‌ها همه زمینه‌هایی هستند که آیین فراماسونری به بررسی آن‌ها می‌پردازد؛ در نهایت، سفر سیر، به معنای سیر و سلوک اخلاقی است.

در دنباله این نوشتار کوشش بر آن خواهد بود که با پیروی از روشی منطقی، که همانا روشی است که در آیین فراماسونری به کار می‌رود، برخی از اصل‌ها که از آن‌ها در این‌جا یاد شد روشن گردند پیش از آن که نتیجه گرفت که آیین فراماسونری، چه از دیدگاه اخلاقی و انسانی و چه از دیدگاه احساسی، یک «شیوه زیستن» است.

سیر در آیین فراماسونری مراسم پذیرفته شدن داوطلب به آیین است و با سیری که در آیین‌های مذهبی در زمان قدیم با به کار بردن نقش‌ها و شکل‌ها برای پی بردن به سرّهایی انجام می‌پذیرفت پیوندی ندارد. هدف از اجرای مراسم سیر در آیین فراماسونری برداشتن گام به سوی هر آنچه است که روشنایی خواننده می‌شود تا جان بر تن پیروز شود و آدمی به بالاترین درجه تربیت اخلاقی دست یابد. روشنایی‌ها در این آیین بی‌شمارند: برای نمونه «روشنایی مینوی» اشاره به رشد مینوی و «روشنایی ذاتی» اشاره به شکوفایی ارزش‌های ذاتی» در آدمی دارد.

## ۶ - انگیزه سفر سیر

سفر سیر نهاد آموزش فلسفه برادری و برابری و آزادی در آیین فراماسونری است. بایسته است که در پیوند با این نهاد به چند نکته اشاره شود:

♦ مراسم سیر در این آیین هیچ‌گونه محتوی مذهبی ندارد. هر فراماسون تنها به مذهب خود



**The Ancient of Days**  
William Blake

Milton, in his Paradise Lost Book VII, must have  
seen God, As the supreme Geometer,

where he wrote:

...and in his hand”

He took the golden compasses, prepared

In God's eternal store, to circumscribe

This Universe, and all created things

One foot he centered, and the other turned

Round through the vast profundity obscure,

And said, Thus far Extend, thus far thy bounds

This be thy just circumference, O World!”

**برگردان فارسی شعر ویلیام بلیک**

.... سخت

بگرفت در دست، پرگارِ زرگون

ساخته‌ی کارگاهِ ابدی یزدان

تا کشد حدِ جهان و آنچه در آن.

یک شاخه در مرکز و آن دگر چرخان

دورِ پهناور تیرگی را کرد نشان

و گفت: « این حد و مرز و پهنای توست،

بدان،

وین، پیرامونِ درستِ توست، ای جهان! »

بستگی دارد. در این آیین، هیچ گونه گفت و شنود مذهبی و یا سیاسی روا نیست. افزوده بر این، فراماسون‌ها در گزینش راه و روش سیاسی و باورهای دینی خود آزادند. همچنین بجاست یادآور شود که سیر دیدن، فرد را نه در رده روشنفکران قرار خواهد داد و نه او هیچ برتری بر دیگر مردمان از این راه به دست خواهد آورد. آموزش‌های این آیین برای دست یافتن به گوهر هستی، نظم و آراستگی است تا فرد بتواند درون خویش را پالایش دهد و «خود» را بهتر بشناسد.

## ۷ – نمونه‌ای از یک نماد

نمونه‌ای از یک نماد چون نمودار نظم و آراستگی در آیین فراماسونری، کیهان است، برداشت مجازی از کیهان، نشانه نیکخواهی آفریننده نسبت به آفریده خویش است. از آن جایی که کیهان، پیرو قانون نظم و آراستگی است و از زیور زیبایی و هماهنگی به‌رمند گشته، این نهاد چون رمزی از نظم و آراستگی در فراماسونری برشمرده می‌شود. سَفَرِ سیر چون جرقه‌ای است برای رسیدن به روشنایی؛ روشنایی‌ای که حدّ و اندازه آن در دست هر جوینده حقیقت است. پس می‌توان گفت:

*حقیقت سَری است که پی بردن به آن در گرو واپسین تلاش آدمی برای برقرار نمودن پیوند با اصل خویش از راه ادراک و دل است.*

## ۸ – زبان نمادها SYMBOLS

روش سیری در اصل راه و روش آموزشی‌ای است پوشیده که بر مبنای انتقال یا درک مستقیم استوار گشته؛ در پیمودن این راه می‌بایست درونمایه نمادهایی را که در فراماسونری ارائه می‌شوند دریافت تا بتوان به اصل آن‌ها پی برد. نماد همانا، نشانه، اشاره یا واژه‌ای است که به اندیشه، یا چیزی اشاره می‌کند. همچنین، نماد در معنی، هر آن چیزی است که نمایانگر یا جایگزین چیز دیگری باشد. به کار بُردنِ زبانِ نمادها در آیین فراماسونری، برای توان بخشیدن به نیروی استدلال داوطلب است تا بتواند پوشیدگی نشانه‌ها، رازها، اشاره‌ها و رمزهایی را که در ذاتِ نمادها نهفته‌اند از میان بر دارد و به اصلِ آن‌ها پی ببرد. آدمی گرایش به پی بردن به هر آنچه را که پوشیده است بیشتر دارد؛ به ویژه، هر گاه این پوشیدگی با هر آنچه که آشکار است شباهت‌هایی داشته باشد. به کار بردنِ زبانِ نمادین برای پی بردن به اصل‌ها روشی است سنتی و دیرینه برای برقرار ساختنِ بستگی میان اصل‌ها و فکر و اندیشه آدمی. نمادها نشانه‌هایی‌اند مجازی و حسّاس که شباهت‌هایی با برخی نهادها در هستی دارند. کارِ زبانِ نمادها واگذاری این نشانه‌ها به ذهنِ داوطلب است تا به یاریِ نیروی اندیشه خویش بتواند زمینه‌ای فراهم آورد تا از شناخته به ناشناخته، از پیدا به ناپیدا، و از میرا به جاودان، پی ببرد.

## ۹ – ارزش نمادها

نمادها را بدون شک می‌بایست در شمار ارزشمندترین افزارها که آیین فراماسونری برای آموزش در اختیار دارد برشمرد. نمادها در شمار یکی از کهن‌ترین افزارهایی‌اند که انسان اندیشمند برای پی

بردن به نهاد ژرف جهان از دیرباز به کار برده است. نگاره‌های مجازی‌ای که نمادها، اشاره‌ها، نشانه‌ها، در ذهن از خود بر جای می‌گذارند چون واپسین بازتاب حقیقت‌ها و واقعیت‌هایی می‌توانند به شمار آیند که اندیشه آدمی به تنهایی نمی‌توانست به آن‌ها دست یابد. یک ویژگی نمادها را می‌توان تحول پذیری آن‌ها، در درازای زمان دانست. ویژگی دیگر نمادها نیروی بیان احساس‌های پوشیده در درون آدمی است. واپسین ویژگی نمادها این است که همواره و در همه دوران‌ها توانسته‌اند پیوستگی کامل بین نشانه‌ها و رمزها و اشاره‌ها و رازها را با اندیشه آدمی برقرار سازند.

## ۱۰- سِرّ و رمز

پوشیده نیست که اساس آیین فراماسونری بر سِرّها و رمزها نهاده شده است. داشتن سِرّ و رمز این انجمن مبنایی نیست که این آیین باستانی «سازمان سِرّی» است. پیشینه به کار بردن سِرّها و رمزها از آن «فراماسون‌های آزاد» افزارکار است که در قرون وسطی به کار ساختن کلیساها، صومعه‌ها، پُل‌ها، قلعه‌ها در قاره اروپا و خانقاه‌ها در بخشی از کشورهای مجاور اروپا می‌پرداختند. این فراماسون‌ها، بنّاهای استادکار هنرمند و زبردستی بودند که از هنر معماری، پیشه ساختمان‌ی، و هنر طراحی آگاهی داشتند. این استادکارها با همکاران خود، چون سنگتراش‌ها، کاشی‌کارها، نجارها و استادکارهای دیگر ساختمان‌ی پروانه داشتند که آزادانه سَفَر کنند.

آنان در نزدیکی کار ساختمان‌ی‌ای که انجام آن را پذیرفته بودند مسکن می‌گزیدند، کارگاه و مدرسه تدارک می‌دیدند و با یکدیگر تا آغاز کار دیگر در این مکان زندگانی می‌کردند. همچنین، همگان وظیفه داشتند از قانون و دستورهای بزرگ استادکار پیروی کنند. کارگرها به دو گروه شاگرد ماسون و یار ماسون تقسیم می‌شدند و هر گروه رمزها و نشانه‌هایی برای شناسایی یکدیگر و همچنین تمیز دادن برادر از بیگانه داشتند. با از میان رفتن «سازمان فراماسون‌های آزاد افزارکار» در اروپا نگاهداری سنت‌ها، روش‌ها، و رسم‌ها و همچنین پاسداری رازها، رمزها و نشانه‌های آنان را «فراماسون‌های آزاد و پذیرفته شده» - یعنی ماسون‌هایی که به راز ماسون آگاه هستند - پذیرا گشتند تا آن‌ها را در راه آموزش فلسفه و اصل‌های برادری، برابری، و آزادی به کار بندند.

## ۱۱- راز «سکوت»

اینک، به بررسی «قانون سکوت» و برشمردن «راز سکوت»، چون نمونه یک راز از رازهای فراماسونری پردازیم. پیروی از روش شباهت‌ها به یاری نمادها در سَفَر سیر ایجاب می‌کند که برای داوطلب روشن گردد برای چه او می‌بایست از «قانون سکوت» پیروی کند. راز سکوت، یکی از پارسی‌های اصلی در آیین فراماسونری به شمار می‌آید. قانون سکوت را می‌توان چون نماد رازداری بر شمرده. رازداری در این آیین از نخستین نظام‌ها برای رسیدن به آراستگی است.

همبستگی سکوت و رازداری یکی از کهن‌ترین نظام‌ها در آیین‌های سیرِ مینوی است: HERMES



TRISMEGISTUS هنگام سیر به پسر خود TAT چنین گفت: «ای پسر، منتهای فرزاندگی و کمال در سکوت است....»

CLAUDE DE SAINT-MARTIN LOUIS فیلسوف و عارف فرانسوی سده نوزدهم می‌گوید: «حقیقت‌های بزرگ به خوبی آموزش داده نمی‌شوند، مگر در سکوت». بیشترین آیین‌های سیری از قانون سکوت پیروی می‌کنند. آموزش از راه سیر آنگاه در فرد کارساز خواهد گشت که او در سکوت و درون او در آرامش کامل باشد. OSCAR WIRTH یکی از پیشروان فلسفه فراماسونری بر این باور است که:

۱. «بیان، حقیقت اصلی را به خرابی می‌کشاند»؛ او همچنین می‌گوید: «بیان، با شکل دادن به حقیقت، شکوه و جلال ذاتی آن را از بین می‌برد و انگیزه‌ای برای پدید آمدن اختلاف عقیده‌ها می‌گردد».

قانون سکوت در آیین فراماسونری، همواره با رازداری همراه است. دوام این سازمان با پیروی از قانون سکوت امکان پذیر می‌گردد. پیروی از دو اصل سکوت و رازداری در بیشترین آیین‌های عرفانی و مذهبی کهن نیز به چشم می‌خورد. هنگامی که از ارسطو پرسیدند: «به گمان او انجام دادن چه چیز مشکل است»، در پاسخ گفت: «رازدار بودن و ساکت ماندن». نزد مصری‌ها، نشانه سکوت با گذاردن انگشت نشان (سبابه) دست راست بر لب‌ها انجام می‌گرفت. بدین‌سان بود که آنان نشانه HARPOCRATES - (خدای سکوت) - را که مجسمه آن در برابر تمامی معبدهای Isis و SRAPIS جای داده شده بود نشان می‌دادند. همچنین، این مجسمه‌ها نمودار این بودند که می‌بایست همواره خاموش ماند و رازدار بود.

## ۱۲- سِرّ حقیقی در آیین فراماسونری کدام است؟

هر فراماسون می‌بایست خود به سِرّهایی که در ذاتِ نمادها نهفته‌اند پی برده، پرده از پوشیدگی آن‌ها بردارد، تا به اصل آن‌ها برسد. فراماسون‌های پیشرفته آیین، به نوباوه‌ها سفارش می‌کنند که با سنجیدگی به بررسی سِرّهای ماسونی بپردازند زیرا آن‌ها بیش از یک معنی پوشیده در نهان دارند. این سفارش آنان از آن رو است که سِرّهای ماسونی تنها به اشاره بر حقیقت‌ها بسنده می‌کنند؛ پی بردن به اصل آن‌ها نیاز به ژرف اندیشی، بررسی و پژوهش دارد.

از سوی دیگر، سیر یک دگرگونی ژرفِ درونی است که در درونِ داوطلب شکل می‌گیرد. پس از آن جایی که سیر یک تجربه درونی فردی است، تأثیر و برداشت از درونمایه آن، در همگان همانند و یکسان نمی‌تواند باشد، از این رو نه تنها بیان تمامی تأثرات ناشی از سیر برای هر گس ناممکن است بلکه نتیجه آن را می‌توان سِرّ حقیقی نام نهاد که در دل آدمی برای همیشه پوشیده باقی می‌ماند. پس، به پشتوانه رازمندی سیر می‌توان فراماسونری را سازمان رازآمیز پوشیده نامید.

\*\*\*

دو به بیند ز چشمی روشنایی  
نظامی

به ما چشمش دگر کرد روشنایی

بی‌گمان هنوز در ایران هستند آن گسان که فراماسون‌ها را شیطان پرست، جاسوس و دست‌نشانده‌های غرب، به ویژه بریتانیای کبیر می‌دانند. انگیزه نگارش این نوشتار روشن گردانیدن برخی از نکته‌های تاریکی است که نویسنده‌ها و یا گزارشگرها، چه از روی بدخواهی و یا از روی ناآگاهی، در کتاب‌ها و نوشتارها و رساله‌ها و یا از راه رسانه‌ها به نادرست در ذهن مردم سرزمین ما از آیین فراماسونری آفریده‌اند. آنچه که برداشت‌های نادرست این دسته از آیین فراماسونری برای ایرانیان به ارمغان آورده نه تنها به فراموشی سپردن نقشی است که نخستین فراماسون‌های ایرانی در انقلاب مشروطیت ایفا کردند، و مردم ایران را از ظلم فرمانروایان خودکامه و ستمگر آن زمان رهانیدند، تا آزادی در این سرزمین حکمفرما گردد، بلکه نوآوری‌های فرهنگی و ادبی و اجتماعی و سیاسی‌ای که آنان از اروپا به همراه خود به ایران آوردند نیز در شمار به فراموشی سپرده شده‌ها رفت.

همان‌گونه که پیداست، این گزارش را با نقشی که فراماسون‌ها در تاریخ ایران ایفا کردند کاری نبود، بلکه با تکیه بر برخی از نهادهایی که آیین فراماسونری بر آن‌ها استوار است و همچنین با اشاره به چند راز، نقشی را که این آیین در دگرگون ساختن درون برای یافتن «شیوه درست زیستن» آدمی ایفا می‌کند نوشته شده است.

«خوشا به حال آن گس که راه رازها را پیمود؛ آغاز و پایان زندگانی را می‌شناسد».

PINDAR

امید است که این نوشتار، روزنه‌ای پدید آورد تا ذره‌ای روشنایی جایگزین برخی از تاریکی‌های ذهن مردمان سرزمین ما گردد، حقیقت را آشکار نماید، و آنان به واقعیت این آیین که جز گسترش اصل برابری، برادری، و آزادی در جهان نیست پی ببرند.

و نیز هر گاه نپذیریم که برخی از آنچه در این نوشتار آمد، برداشته از یافته‌های دیگران است، حق‌شناسی را در باره آن بزرگ‌مردان به جای نیآورده‌ایم.

ادامه دارد در شماره ۱۲۷ تابستان ۱۳۹۸